

رُمان «سال‌های ابری»

در پرتو آموزه‌های جرم‌شناسی کودکان و نوجوانان*

- هادی رستمی^۱
- علی مولاییگی^۲

چکیده

کودکان و نوجوانان از آنجایی که می‌توانند مخاطب قانون‌گذار باشند، امکان ورود به حوزه حقوق کیفری از باب بزهکاری را دارا هستند و به لحاظ شرایط خاص جسمانی و عاطفی نیز ممکن است در معرض انواع سوءاستفاده‌ها و بزه‌دیدگی‌ها قرار گیرند. برخی از کودکان و نوجوانان، صرف‌نظر از شرایط مذکور، به دلیل اوضاع و احوال مخاطره‌آمیز بیشتر در معرض انواع بزهکاری‌ها و بزه‌دیدگی‌ها قرار دارند که می‌توان از آن‌ها به عنوان «کودکان در معرض خطر» یاد نمود. مصداق‌هایی از این سه نوع کودک و نوجوان را می‌توان در رُمان سال‌های ابری اثر مشهور علی‌اشرف درویشیان یافت که آن‌ها را می‌توان از بعد روش تحلیل محتوا از منظر برخی نظریه‌های جرم‌شناختی مورد بررسی قرار داد. نتیجه چنین کاری از یک سو می‌تواند وجود ارتباط تنگاتنگ میان ادبیات و

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۲۶.

۱. استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول) (rostamilaw@yahoo.com).

۲. کارشناس ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان (keykhosrow71@yahoo.com).

جرم‌شناسی را نمایان ساخته و از سوی دیگر از ادبیات به عنوان ابزاری پیشگیرانه برای ساختن جامعه آرمانی استفاده نمود.

واژگان کلیدی: ژمان سال‌های ابری، بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان، کودکان در معرض خطر، جامعه‌شناسی جنایی، روان‌شناسی جنایی.

مقدمه

علی‌اشرف درویشیان،^۱ آفریننده ژمان معروف *سال‌های ابری*، نویسنده واقع‌گرایی بود که دغدغه‌ها و نگرانی‌های اصلی او، مشکلات و گرفتارهای کودکان و نوجوانان است. او در ژمان بلند *سال‌های ابری* به مواردی اشاره می‌کند که کودکان و نوجوانان، بازیگران و به نوعی قربانیان اصلی آن هستند. شریف (داوریشه)، قهرمان اصلی ژمان مذکور، از کودکی شاهد فقر خانواده و اطرافیان است. پدرش که مردی بی‌سواد و خشن بوده و به سبب تغییر شغل‌های متعدد، گرفتار بی‌پولی و بیکاری مداوم است، به جز تنبیه، رابطه دیگری با فرزندان خود ندارد و مادرش نیز گرچه اندکی فهمیده‌تر و مهربان است، ولی به واسطه فقر ناشی از روش زندگی شوهر، همواره درگیر زاییدن یا تأمین اساسی‌ترین نیازهای فرزندان می‌باشد. در این میان، بی‌بی خانم تنها پناهگاه پسرک در دوران کودکی است. شریف از خردسالی به دستور پدر مجبور به کار کردن می‌شود، حتی آنگاه که به اصرار مادر و با پس‌انداز خود مدرسه می‌رود، با کمترین مجالی که پیدا می‌کند، به شاگردی و کارگری در مغازه‌ها می‌پردازد. طی همین دوران که مصادف با جنبش ملی کردن صنعت نفت است، نطفه نگرش سیاسی و مارکسیستی

۱. علی‌اشرف درویشیان در سال ۱۳۲۰ خورشیدی در کرمانشاه به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۷ بعد از گذراندن دوره دانشسرای مقدماتی به مدت هشت سال در روستاهای گیلان غرب و شاه‌آباد غرب (اسلام‌آباد) آموزگار شد. از کودکی به کارهای گوناگون دست زد و کار و تحصیل را همزمان با هم ادامه داد و از سال ۱۳۴۵ در دانشگاه تهران در رشته ادبیات فارسی و سپس تا کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی درس خواند و در دانشسرای عالی تهران تا کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی تحصیلی پیش رفت. او از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ به خاطر نوشتن «از این ولایت» و فعالیت‌های سیاسی، سه بار دستگیر و ممنوع‌القولم و در بار سوم به یازده سال زندان محکوم شد که بعد از شش سال با انقلاب مردم آزاد گردید. برخی آثار او به زبان‌های دیگر ترجمه شده است (درویشیان، ۱۳۷۷: ۱). علی‌اشرف درویشیان در چهارم آبان ۱۳۹۶ پس از یک دوره بیماری طولانی، در زمانی که این مقاله در حال نگارش بود، بر اثر سکته مغزی درگذشت.

به مسائل در ذهن او کاشته شده و نخستین درس‌ها را از دایی سلیم، کارگر شرکت نفت، می‌آموزد. شریف با راهنمایی دومین آموزگارش (آقا مرتضی) که مؤید گفته‌های آموزگار اول است، به حزب توده ایران متمایل می‌شود. با گریزهای متداول پدر از خانه، مسئولیت اداره خانواده بر دوش او که فرزند ارشد است، می‌افتد و حتی دانشگاه را برای مدتی به خاطر خانواده رها و شغل معلمی را اختیار می‌کند. جدیت در اجرای وظایف و روحیه وظیفه‌شناسی و عصیانگر او، دردسرهای متعددی برایش ایجاد می‌کند (شریفی، ۱۳۸۷: ۷۷۱).

رویکرد جرم‌شناسانه به ژمان *سال‌های ابری* دلایل گوناگونی دارد. نخست آنکه در دل این ژمان به طور مستقیم، به بزه‌کاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان و در معرض خطر بودن آن‌ها توجه شده که بستر مناسبی را برای خوانش جرم‌شناسی فراهم می‌کند.^۱ دوم، او از جمله نویسندگانی است که به قول گورکی، دانشگاه اجتماع را گذرانده است. سال‌ها معلم بودن در روستاهای گیلان غرب و اسلام‌آباد و زندگی با مردم فقیر که خود نیز جزئی از آن‌ها بود، توانسته نوشته و دیدگاه‌های او را از حالت تئوریک محض خارج کرده و یک عینیت‌گرایی اجتماعی و انتقادی به مسائل پیرامون خود دهد (مولایی، ۱۳۹۷: ۴۴).^۲ سوم، تحصیلاتش علاوه بر ادبیات، در رشته مشاوره و راهنمایی تحصیلی موجب آشنایی علمی بیشتری نسبت به کودکان و ذهنیت آنان شده است. این موضوع در یکی از گفتگوهای او به صراحت مطرح می‌شود:

«... جامعه ما دردهای بزرگ‌تری دارد. در جامعه ما، مادر طوری بچه‌اش را می‌زند که به مرگ مغزی دچار می‌شود. چرا؟ آیا می‌توانیم این نوع درد را در ادبیات خودمان

۱. اگرچه زمان رخ دادن این موارد قبل از انقلاب بوده، اما توجه نویسنده به عامل و بستر ایجاد این گونه آسیب‌ها، همانند فقر، فشار اقتصادی، ناآگاهی، معاشرت با ناهلان و... به گونه‌ای نبوده که مختص به زمان گذشته باشد. از آنجا که «بیشترین میزان مطالعه ژمان و داستان در گروه سنی ۱۲ تا ۱۸ سال و پس از آن ۱۹ تا ۲۵، مجموعاً ۵۰/۹ درصد از کل مطالعه ژمان و داستان را به خود اختصاص داده‌اند» (علی‌احمدی، ۱۳۸۶: ۵۳). لذا می‌توان از چنین آثاری با توجه به جنبه تربیتی‌شان به عنوان ابزاری پیشگیرانه استفاده نمود.

۲. این اثر بنا به گفته خود نویسنده، برش‌های از زندگی واقعی خود اوست: «ژمان *سال‌های ابری*، برش‌هایی از زندگی من است، می‌توانم به جرأت بگویم که در حدود ۹۰ درصد از زندگی من و ماجراهایی است که بر من گذشته است» (علی‌اکبری و کوچکیان، ۱۳۸۶: ۲۱۶).

مطرح نکنیم؟» (محمدی، ۱۳۸۴: ۲۳۱).

چهارم، متغیر سن در جرم‌شناسی سبب شده تا علت‌شناسی جرایم اطفال و نوجوانان، موضوع پژوهش‌ها و مطالعات مستقلی واقع شده و از ابعاد مختلفی قابل پژوهش باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۴). اما در پژوهش‌های صورت گرفته، به ادبیات کودک اشاره‌ای نشده و یا بسامد آن اندک بوده و بیشتر بحث‌ها، حول محور جرم‌شناسی و سیاست جنایی بوده است (در این باره ر.ک: رستمی و مولاییگی، ۱۳۹۶: ۷۷؛ ایمانی، ۱۳۹۰: رستمی و جعفریان، ۱۳۹۷: ۱؛ پورحسن سنگری، ۱۳۹۲: ۵).

این پژوهش بر آن است تا با روش تحلیل محتوا^۱ و با استمداد از برخی نظریه‌های جرم‌شناسی، انواع کودکان حقوق کیفری (افراد کمتر از ۱۸ سال) را در زمان مذکور شناسایی نماید و سپس به علت‌شناسی بزهکاری و بزه‌دیدگی آن‌ها پردازد. در این میان، نظریه‌های فشار، یادگیری اجتماعی، دلبستگی و مارکسیستی‌گزنش شده‌اند که با فضای حاکم بر داستان و نوع نگاه و اندیشه چپ‌گرایانه و سوسیالیستی نویسنده آن نزدیک‌ترند.

۱. کودکان و نوجوانان موضوع جرم‌شناسی در زمان سال‌های ابری

زمان سال‌های ابری به عنوان یک روایت واقع‌گرا به طور عمده با توجه به شخصیت اصلی داستان و اطرافیانش که در فرایند آن به تدریج بزرگ‌تر می‌شوند، به مسائل پیرامون کودکی می‌پردازد. در دو جلد از چهار جلد کتاب، شاهد کودکان و نوجوانانی هستیم که در جرم‌شناسی مطرح و به سه گروه تقسیم می‌شوند: نخست، کودکان و

۱. گویا اولین مورد مستند استفاده از روش تحلیل محتوا برای نخستین بار به قرن هیجدهم برمی‌گردد. فردی سوئدی به نام دورینگ (۱۹۵۴-۱۹۵۵) ماجرای را در مورد ۹۰ سروده مذهبی شرح داده که بحث درباره خطرناک بودن مضمون این اشعار می‌باشد و برای رهایی از این ماجرا، به کمک تحلیل محتوا، مقایسه‌ای میان متون انجام می‌دهد. تحلیل محتوا هر فنی است که به کمک آن، ویژگی‌های خاص پیام‌ها را به طور نظام‌یافته و عینی مورد شناسایی قرار می‌دهند (رضوانی، ۱۳۸۹: ۱۳۹). برخی این روش را به معنای شناخت رابطه جملات با یکدیگر و نگرستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است، می‌دانند. مطابق این تعریف، تحلیل محتوا صرفاً به عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله توجه ندارد، بلکه فراتر از آن با عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و... سروکار دارد (فرکلانف، ۱۳۷۹: ۸).

نوجوانان بزه‌کار که هنجارهای رسمی را نقض کرده و مرتکب جرم می‌شوند. دوم، کودکان و نوجوانان بزه‌دیده که قربانی جرم هستند و سوم، کودکان و نوجوانان در معرض خطر که وضعیت و شرایط زندگی آن‌ها به گونه‌ای است که در معرض خطر بزهکاری و یا بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۵۵). کودکان فقیر، کودکان کار و کودکان بی‌سرپرست و یا بدسرپرست در معرض این نوع مخاطرات هستند که در زمان سال‌های ابری بیش یا کم مورد توجه نویسنده قرار گرفته است.

۱-۱. بزهکاری کودکان

بزهکاری در معنا و مفهوم حقوقی آن، عبارت از رفتاری است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است. در رویکرد جرم‌شناختی، این عنوان فراتر از مفهوم حقوقی آن معنا شده و شامل رفتارهایی که الزاماً عنوان جرم ندارند، مانند مدرسه‌گریزی یا فرار از کنترل والدین، خانه‌گریزی و هر نوع کجروی خواهد شد که در یک فرد بالغ، مجرمانه تلقی نمی‌شود (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۵: ۱۷۸). در اسناد بین‌المللی تعریفی از کودک بزهکار نشده و به جای آن از واژه «بزهکار نوجوان» استفاده شده است. منظور این عنوان، کودک و نوجوانی است که متهم به ارتکاب جرمی بوده و یا ارتکاب جرم توسط او محرز شده است. در اینجا بزهکاری در مفهوم مجرد حقوقی آن مورد نظر است. کمیته حقوق کودک نیز در سال ۲۰۰۷ با توجه به رعایت هرچه بیشتر مصالح کودک و نوجوان با اجتناب از برچسب‌زنی، عبارت «کودک معارض با قانون» را جایگزین «کودک بزهکار» نموده و فرایند خاصی را برای رسیدگی به جرایم آنان مقرر داشته است (نیازپور، ۱۳۸۹: ۵۸)؛ زیرا بزهکاری آن‌ها در اصل وضعیت نامطلوب خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی‌شان بوده و در چنین شرایطی، پاسخ به جرایم ارتكابی آنان باید دارای جنبه بازپرورانه و در مقام جبران قصور محیط‌های اجتماعی، خانوادگی و تحصیلی‌شان باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۸). درباره ماهیت جرایم ارتكابی توسط این اشخاص گفته شده که بزهکاری اطفال و نوجوانان اساساً شامل جرم‌های

۱. استفاده از این واژه گویا برای اولین بار به زمان ساسانیان برمی‌گردد؛ لقب پدر بهرام گور را که یزدگرد نام داشت، به سبب سوء اعمال، بزهکار و بزه‌گر نام نهادند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳/۴۷۲۰).

علیه مالکیت به ویژه دزدی‌ها، توسعه شدید فحشا، مواد مخدر و جرایم خشونت‌آمیز بوده و همچنین شکل‌گیری باندهای بزهکاری در خصوص آنان هم قابل ذکر است (رنوچی و کورتن، ۱۳۹۵: ۲۵).

در تحقیق دیگری آمده است زمانی که آن‌ها مباشر جرم هستند، از سنین ۱۶ تا ۱۸ سالگی به لحاظ فرایند بلوغ، جرایم علیه عفت عمومی را بیشتر مرتکب می‌شوند و پس از آن، به دلیل احساس نیاز به مالکیت، آمار جرایم علیه اموال در بین آن‌ها افزایش می‌یابد (عباچی، ۱۳۸۸: ۴۵). از دیگر انحرافات و جرایم مهم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان، می‌توان به دیوارنویسی، تخریب، سرقت از مغازه‌ها، استفاده از وسایل نقلیه عمومی بدون پرداخت هزینه یا خرید بلیط اشاره نمود که البته ارتکاب این نوع جرایم بیشتر با هدف ماجراجویی و ایجاد هیجان صورت می‌گیرد و ارتکاب جرایم خشونت‌بار میان آن‌ها امری نادر است (محسنی، ۱۳۹۴: ۲۹۱). خالق زمان *سال‌های ابری* نیز که در موارد گوناگونی جرایم کودکان را به تصویر می‌کشد، بر ادعاهای مذکور صحنه می‌گذارد. مصادیق مهم‌ترین جرایم در اثر مذکور به شرح زیر است:

۱. سرقت: پدر خانواده وقتی از خاطرات دوران بچگی خود برای فرزندان کوچکش تعریف می‌کند، به نمونه‌ای از دزدی‌ها از خانه خان نیز اشاره کرده و چنین می‌گوید: «آب از دهانم سرازیر گشته و دنیا را فراموش کرده بودم که ناگهان لگدی محکم به گرده‌ام خورد و مرا چند قدم به هوا پرت کرد. چهار دست و پا مثل گربه به زمین آمدم و پا به فرار گذاشتم» (درویشیان، ۱۳۷۰: ۱۸۵).

۲. تخریب: شریف (کودک بزرگ خانواده) وقتی می‌بیند که در خانه همسایه تازه رنگ شده، چنین عکس‌العملی نشان می‌دهد:

«... نزدیک می‌شوم، آهسته، یک لنگه در باز است. نزدیک‌تر می‌شوم. رنگ زیبای فرینده‌ای دارد، مثل آسمان. آهسته انگشتم را دراز می‌کنم. نوک انگشتم به آسمان در می‌خورد و آبی می‌شود... اثر انگشتم روی در می‌ماند. مردی از داخل خانه داد می‌زند: ای پدر سوخته؛ مادرت... چرا به در دست زدی» (همان: ۲۷۲-۲۷۴).

۳. ضرب و جرح: شریف درسش خیلی خوب است و به همین دلیل، آموزگار دانش‌آموز تنبل ثروتمندی را به او می‌سپارد تا به وی درس دهد، اما:

«... می از جیبش بادام برشته خوش‌بو درمی‌آورد. بوی بادام برشته و صدای جویدنش حالی به حالی‌ام می‌کند. درس نمی‌خواند. از بادام‌هایش به من هم نمی‌دهد. می‌زنم توی گوشش» (همان: ۵۲۵).

هنگامی که معلم از ناراحتی شریف آگاه شده و با او خلوت می‌کند تا مشککش را بداند، همکلاسی‌هایش برای او حرف بد درمی‌آورند که به زد و خورد وی با همکلاسی‌هایش می‌انجامد (همان: ۵۴۵). به صورت کلی می‌توان جرایم ارتكابی را که در زمان توسط کودکان و نوجوانان رخ می‌دهد، در جدول زیر مشاهده کرد:

| نوع بزهکاری | تعداد آن در زمان | نوع بزهکاری | تعداد آن در زمان |
|------------------|------------------|----------------------|------------------|
| سرقت | هفت بار | منازعه | یک بار |
| جرایم منافی عفت | پنج بار | ضرب و جرح | شش بار |
| تخریب | پنج بار | فرار از مدرسه و خانه | چهار بار |
| استفاده از مشروب | یک بار | قاچاق مواد و کالا | چهار بار |

کودکان و نوجوانان مطرح‌شده در این زمان، آن‌سان که دیده می‌شود، بیشتر به ارتکاب جرایم خرد و گاه رفتارهایی که از منظر هنجارهای اجتماعی مذموم (کجروی) تلقی می‌شوند، تمایل نشان می‌دهند. با توجه به طبیعت کودکی و وضعیت هیجانی این دوره سنی، ارتکاب جرایمی که ارتباط زیادی با هوش و بلوغ فکری افراد دارد، مانند کلاهبرداری، بعید و دور از انتظار خواهد بود. آنچه جالب توجه می‌نماید، جنسیت مرتکبان جرایم مذکور می‌باشد که همه جرایم از طرف کودک پسر رخ داده است. این موضوع را می‌توان با فرضیه جرم‌شناختی که زنان مرتکب جرم نمی‌شوند، مقایسه نمود.^۱ جرایم بیشتر به صورت انفرادی و بدون همکاری و مشارکت دیگران واقع می‌شوند. در خصوص کشف جرم نیز اصولاً جرایم آن‌ها توسط نهادهای رسمی کشف نشده و بیشتر آن‌ها در آینده به زندگی عادی برگشته‌اند.^۲ در خصوص بستر شکل‌گیری

۱. البته این موضوع امروزه مورد قبول نیست (ر.ک: گورمن-اسمیت و ویولو، ۱۳۹۴: ۱۸۷).

۲. آنچه جالب توجه می‌نماید، تطابق سرنوشت چنین کودکانی با گفته ماتزا در نظریه برچسب‌زنی می‌باشد. او معتقد است که نوجوانان میان دو قطب رفتار متعارف و نامتعارف سرگردان بوده و اگر با آن‌ها در این دوران برخوردی رسمی صورت نگیرد، غالباً به سوی رفتار درست کشیده می‌شوند (وایت و هینز، ۱۳۹۵: ۱۹۹).

جرم در زمان سال‌های ابری بیشتر خانواده و شرایط حاکم بر آن و همسالان نقش آفرینی دارد.

۲-۱. بزه‌دیدگی کودکان

پدیده بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان مسئله‌ای مربوط به زمان حاضر نبوده و نگاه اجمالی به تاریخ بشری به خوبی نشان می‌دهد که این پدیده همواره به عنوان برجسته‌ترین قربانی تاریخ، چهره می‌نمایاند (کلاتنری و نصرالهی، ۱۳۹۵: ۱۷۱). از این رو، با توجه به حساسیت بالای موضوع، نیازمند تعریف خاص از بزه‌دیدگی در این حوزه هستیم. در یک تعریف مشهور:

«طفل بزه‌دیده هر فرد زیر ۱۸ سال را گویند که از سوی والدین، سرپرستان قانونی و کسانی که به نوعی مسئول تربیت، نگهداری و آموزش و پرورش کودکان هستند، مورد سوءاستفاده و بی‌توجهی قرار گرفته و در پی آن، تمامیت جسمانی، روانی، اخلاقی و همچنین فرایند رشد وی مورد آسیب واقع می‌شود» (عباچی، ۱۳۸۴: ۱۷۱).^۱

در بزه‌دیدگی نباید پنداشت که بزه‌دیده همان شخصی است که آماج مستقیم رفتار مجرمانه قرار می‌گیرد، بلکه علاوه بر او می‌توان به بزه‌دیدگان غیر مستقیم نیز اشاره نمود که مقصود از آن‌ها کسانی هستند که به صورت مستقیم هدف صدمات نبوده، اما به واسطه ارتکاب جرم، متحمل آسیب یا درد و رنج غیر مستقیم می‌شوند (رابجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۲۶۸-۲۶۹).

در این میان، شیوه برخورد با کودکان بزه‌دیده باید همراه با تدابیر و برنامه‌های بازپروری مناسب باشد. از جمله این اقدامات می‌توان به نگهداری طفل در مؤسسه برای ارزیابی، اصلاح، درمان و نیز پیشگیری اشاره نمود (International Criminal Court, 2016: 8-9). پیشگیری از بزه‌دیدگی در این اطفال باید مبتنی بر دو اصل باشد: نخست، جلوگیری از

۱. با توجه به ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ و یا بند ت ماده ۱ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان (در حال تصویب در مجلس شورای اسلامی) می‌توان طفل بزه‌دیده را این گونه تعریف نمود: «کودکی که از طریق فعل یا ترک فعل، مورد هر گونه آزار و اذیتی قرار گرفته که از طریق آن صدمه جسمانی، روانی و اخلاقی بر او وارد آمده و یا سلامت و روانش به مخاطره افتاده است».

بزه‌دیدگی مجدد، و دوم، به حداقل رساندن احتمال بزه‌کار شدن آن‌ها. در ژمان سال‌های ابری، نویسنده انواع گوناگونی از بزه‌دیدگی‌های کودکان و نوجوانان را به تصویر کشیده است. در توضیح و تحلیل برخی از این موارد، نگاهی به بخش‌هایی از ژمان می‌اندازیم:

الف) کودک‌آزاری جسمی: وقتی شریف از بی‌بی، دلیل لاغری دایی سلیم را می‌پرسد، بی‌بی علت آن را دو چیز می‌داند، یکی کار و دیگری کتک: «چون از وقتی که خودش را شناخته، توی کار و زحمت بوده. کتک هم خورده، آن هم چه کتک‌هایی! - چه کسی او را کتک زده؟- صاحب کارها، اوساها. یکی از آن‌ها هم بابای تو! - بابای من؟...» (درویشیان، ۱۳۷۰: ۱۵۳).

وقتی هم از علت کتک خوردن دایی توسط پدرش جویا می‌شود، چنین پاسخ می‌شود:

«به بهانه‌های جور واجور؛ مثلاً یک روز بابات، دایی سلیم را توی کوچه گیر آورد. دایی سلیم داشت به سر کار می‌رفت. ایستاده بود به گردویازی بچه‌ها نگاه کردن. بابات مچ دستش را گرفت و با خود به دکان برده و در پستوی دکان با وایر "سیم" لخت او را چنان زده که تا دو ماه تمام افتاد توی رختخواب...» (همان).

یا نمونه دیگر کتک خوردن فرزندان توسط پدرشان را در جای دیگری از ژمان شاهدیم:

«جانم از ضربه‌های کمربند بابا درد می‌کند... گرفته و غمگینم. نمی‌دانم آنچه را بابام می‌گوید باید یاد بگیرم یا حرف‌های معلم را» (همان: ۵۲۱).

ب) کودک‌آزاری روحی: هنگامی که شریف از موری (همسایه و دوست شریف که بعدها به خاطر وضع خانواده به یتیم‌خانه تحویل داده می‌شود)، درباره برخورد با کودکان در یتیم‌خانه می‌پرسد، با چنین پاسخی روبه‌رو می‌شود: «... وقتی فیتله را پایین می‌کشند، دیگر هیچ‌جا را نمی‌بینیم. همه‌جا تاریک می‌شود. من می‌ترسم. بعضی بچه‌ها از من بزرگ‌ترند، از ترس توی رختخوابشان می‌شاشند و صبح‌ها کتک می‌خورند. اما من خودم را به زور نگه می‌دارم» (همان: ۲۲۳).

ج) کودک‌آزاری جنسی: ... شریف برای درآوردن خرج دوران تحصیل، تابستان‌ها

کار می‌کند. او در یک مغازه‌ای به کار مشغول می‌شود که مغازه‌دار بچه‌باز است و با او بسیار با مهربانی برخورد می‌کند. دایی حامد با آگاهی به موقع از این موضوع، او را از خطر بزه‌دیده شدن جنسی در معنای خاص آن نجات می‌دهد (همان: ۸۱۰). نویسنده با طرح این مطلب می‌کوشد تا ذهن خوانندگان خود را به معضل «کودکان کار» و شرایط ناگواری که آن‌ها را در معرض بزه‌دیدگی و سوءاستفاده قرار می‌دهد، معطوف نماید.

د) سوءاستفاده از کودک در ارتکاب جرایم: در برخی موارد استفاده از کودک برای ارتکاب جرم نشان داده می‌شود؛ مانند سرقت قرآن عتیقه توسط شریف برای عموالفت بنا به خواسته او (همان: ۱۳۹).

| نوع بزه‌دیدگی | تعداد رخ دادن در زمان | نوع بزه‌دیدگی | تعداد رخ دادن در زمان |
|------------------------------|-----------------------|------------------------------------|-----------------------|
| کودک‌آزاری جسمی | بیست و چهار بار | سوءاستفاده از کودک در ارتکاب جرایم | سه بار |
| کودک‌آزاری روحی | بیست و سه بار | سقط جنین | دو بار |
| عدم ثبت نام به موقع در مدرسه | سه بار | کودک‌آزاری جنسی | چهار بار |

بنا به جدول بالا، نویسنده زمان بیشتر به کودک‌آزاری روحی و جسمی پرداخته و به دیگر موارد کودک‌آزاری آن‌چنان توجه نکرده است. غالب کودک‌آزاری‌ها حالت درون‌خانوادگی داشته، لذا هیچ کدام از آن‌ها کشف نگردیده و از لحاظ جنسیت، بیشتر پسران در معرض آن قرار گرفته‌اند. اصولاً این بزه‌دیدگی‌ها در نتیجه فشارهای اقتصادی است که به خانواده‌ها وارد شده و آن‌ها برای خلاصی از این فشار روحی و روانی، مظلوم‌تر از کودکان و زنان پیدا نمی‌کنند. کودکانی که به این نحو از آن‌ها سوءاستفاده گردیده، ناخواسته بزهکاری را فراگرفته و در آینده خود به تنهایی مرتکب جرم می‌شوند. این موضوع را می‌توان علاوه بر نظریه‌هایی که در بخش دوم اشاره شده، از بُعد نظریه‌هایی چون سبک زندگی و فعالیت‌های روزمره تحلیل و بررسی نمود.

۳-۱. در معرض خطر بودن کودکان

در «معرض خطر بودن» در معنا و مفهوم عام، اختصاص به شرایط یا موضوع معینی نداشته و عامه مردم از این اصطلاح در موقعیت‌ها و شرایط متفاوت استفاده می‌کنند. اما واژه «خطر» در معنای اصطلاحی، بیانگر وضعیت و شرایط زندگی برخی افراد است که احتمال بزه‌دیده و یا بزه‌کار شدنشان را بیش از دیگران می‌کند (قربان‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۶). در جرم‌شناسی نیز این اصطلاح کاربرد داشته و در مبحث پیشگیری از وقوع جرم عبارت «در معرض خطر» به منظور تشریح وضعیت برخی از کودکان دارای شرایط ویژه - بی‌انضباطی شدید، شرایط ضعیف اقتصادی خانواده، اعتیاد والدین، خشونت و عدم موفقیت تحصیلی در مدرسه - که احتمال بزه‌کار یا بزه‌دیده شدنشان بالاست، به کار گرفته می‌شود. لذا برخی با توجه به قوانین کشور خود در یک تعریف ساده، طفل در معرض خطر را شخص زیر ۱۸ سال ساکن فرانسه دانسته‌اند^۱ که مجموعه‌ای از شرایط فردی و اجتماعی موجب بروز و استمرار حالت‌هایی شده که سلامت، امنیت، تمامیت اخلاقی و تربیت کودک را شدیداً در معرض خطر قرار می‌دهد (ایولاسال، ۱۳۸۶: ۲۰۳ و ۲۰۶). قواعد سازمان ملل متحد نیز به این گونه اطفال توجه ویژه‌ای نموده است. پیشنهاد سازمان ملل متحد به کشورهای عضو، ایجاد شرایطی است که زندگی ایده‌آلی برای نوجوانان در جامعه تأمین گردد و در برهه‌ای که بیشتر نوجوانان مستعد ارتکاب رفتارهای انحرافی هستند، فرایندی از پیشرفت شخصی و آموزش و پرورش فراهم سازند که تا حد ممکن به دور از جرم و بزه‌کاری باشد (ر.ک: ماده‌های ۱ و ۲ مقررات بیجینگ). از این رو، مؤسسات اجتماعی و خانواده باید به تأمین رفاه و آسایش نوجوانان توجه کافی نمایند تا نیاز به دخالت قانون کاهش یابد و در نهایت، با آنان رفتاری منصفانه، مؤثر و انسانی در پیش گرفته شود. در قوانین کشورهای مختلف، رسیدگی به وضعیت یک طفل در معرض خطر غالباً توسط دادگاه‌های مدنی و در مواردی در دادگاه‌های اطفال صورت می‌پذیرد (زینالی، ۱۳۸۸: ۱۷۶).

قانون‌گذار ایرانی، طفل در معرض خطر را تعریف نکرده و بنابراین در نظام قضایی

۱. البته طبق قوانین فرانسه، برای افراد بین ۱۸ تا ۲۱ نیز امکان اعمال برنامه‌های حمایتی وجود دارد؛ اما شرط اعمال آن تمایل خود آن‌هاست (ایولاسال، ۱۳۸۶: ۲۰۵).

در خصوص حمایت از اطفال، مقرراتی وجود ندارد.^۱ با این حال، با توجه به وضع قوانین متعدد در رابطه با اطفال، برخی از نتایج آن‌ها را به طور مستقیم و غیر مستقیم بر اطفال در معرض خطر نیز می‌توان بار نمود. از این قوانین به مواردی چون قانون اساسی معارف در زمینهٔ مدرسه و تحصیل مصوب ۱۲۹۰ (در زمینهٔ اجبار والدین به تحصیل ابتدایی فرزندان خود (مادهٔ ۵) و ممنوعیت مجازات بدنی (مادهٔ ۲۸))، تصویب نظام‌نامهٔ بلدیة توسط کمیسیون داخلی مجلس شورای ملی در ۱۳۰۹ (حفظ و نگهداری اطفال بی‌صاحب و بی‌بضاعت (بند ۱۴ مادهٔ ۲۹))، قانون مدنی (مواد مربوط به نفقه، نگهداری و تربیت اطفال، رشد، بلوغ، حجر، قیمومیت و...) اشاره نمود. در زمان سال‌های ابری نیز شاهد توجه به عواملی هستیم که کودک را در معرض خطر قرار می‌دهد.

در توضیح بیشتر و تحلیل برخی از این موارد، باید به مؤلفه‌های زیر اشاره کرد:
الف) کودکان بدون سرپناه: شریف برادری ناتنی بزرگ‌تر از خود دارد که با مادرش زندگی می‌کند، اما وقتی مادرش ازدواج می‌کند، از آنجا به بیرون می‌زند و شب‌ها در مغازهٔ عمویش می‌خوابد. حتی پدر اجازهٔ آمدن به خانه را نمی‌دهد (درویشیان، ۱۳۷۰: ۱۱۰).

ب) وضع نامناسب اقتصادی: این وضعیت در بیشتر بخش‌های داستان به گونه‌ای دردناک به تصویر کشیده شده است:

«وقتی بابا می‌گوید هیچ نمی‌خوریم، یعنی هرگز نباید چیزی خورد... حق ندارید از کسی ده شاهی قرض کنید. اگر بشنوم خفه‌تان می‌کنم... آن‌قدر می‌نشینیم دور این کرسی تا یکی یکی از گرسنگی بمیریم. آب می‌خوریم. کوزه را از آب پُر می‌کنیم و پایین اتاق می‌گذاریم... کمی نمک در آب بزن تا طعمی داشته باشد. صبح زود لطیف کف بالا می‌آورد...» (همان: ۶۸۳-۶۸۴).

۱. مادهٔ ۳ لایحهٔ حمایت از اطفال و نوجوانان، وضعیت مخاطره‌آمیز را با ذکر مصادیقی چون بی‌سرپرستی، بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی نسبت به طفل یا نوجوان، بیماری یا اختلالات روانی و یا اعتیادهای زیان‌آور والدین یا سرپرستان، خشونت مستمر، بازماندن از تحصیل، طرد شدن از سوی خانواده، سوءرفتار نسبت به طفل و نوجوان، فقر، بهره‌کشی، کم‌توانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلا به بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی، آوارگی، پناهندگی، مهاجرت، بی‌تابیتی، فرار مکرر از مدرسه و... تشریح کرده است که آن‌ها را در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌دهد.

یا در جایی دیگر شریف با حسرت درباره کسی که اناری دارد و او آن را دیده، چنین توصیف می‌کند:

«به طرف زنی که به بچه‌اش انار می‌دهد برمی‌گردم. دوباره آب دهان قورت می‌دهم، بی‌بی متوجه می‌شود و نان و ترشی را می‌آورد جلو...» (همان: ۲۳۴).

ج) کمبود محبت در خانواده و عدم حمایت والدین از فرزندان: شریف وقتی از به دنیا آمدن برادر خود «بشیر» سخن می‌گوید، به این موضوع اشاره می‌کند که «وقتی بشیر به دنیا آمد، بابام پیش ما نبود... بشیر پنج ماهه است که پدرم از حصار داخل می‌شود» (همان: ۳۵). علاوه بر اینکه پدر حضور چندانی در بین فرزند خود ندارد، بلکه نسبت به آن‌ها محبت را نیز دریغ می‌کند:

«... خیال می‌کند که من خوابم. مرا می‌بوسد... او هیچ وقت ما را در بیداری نمی‌بوسد... من خیلی از بابام می‌ترسم. همیشه او گرفته و آخموست» (همان: ۴۰-۳۹).

خسونت‌های متعددی که پدر بر فرزندان و همسر خود دارد، موجب می‌شود که او تبدیل به دیوی برای فرزندش شود:

«... پس بی‌جهت نیست که هر وقت بابا خرجی نمی‌دهد و از اتاق بیرون می‌رود، ننه پشت سرش می‌گوید: ای دیو بی‌شاخ و دم!...» (شریف می‌گوید)... باز دیو بی‌شاخ و دم کار خود را کرده است...» (همان: ۶۲۷).

چنین روندی می‌تواند او را در معرض بزه پدرکشی قرار دهد؛ زیرا بسیاری از پدرکشی‌ها چنین مراحل را طی نموده‌اند.

د) ناظر جرم بودن: هنگامی که کودکی ناظر وقوع جرمی می‌شود، ناخودآگاه به سمت ارتکاب آن جرم تشویق می‌شود. پس چنین کودکی در معرض خطر ارتکاب جرمی همانند آنچه که ناظرش بوده است، خواهد بود. زُمان سال‌های ابری، موارد متعددی از شاهد جرم بودن کودک را به تصویر می‌کشد. برای نمونه، شریف بارها به چشم خود دزدی دیگران را دیده است: «دزدی پاسبان از نفت چراغ نفتی در کوچه» (همان: ۳۷) یا خاطره‌های آن را از مرتکب جرم شنیده است: «دادن رشوه برای رفتن در کمپانی نفت و اشتغال در آنجا» (همان: ۱۲۴) و یا «قاجاق کالا توسط عموالفت»

(همان: ۴۵) و همچنین «سرقت سیم‌های چراغ برق توسط دایی حامد، پدر و دوستان آنها» (همان: ۴۶۷).

| نوع آسیب اجتماعی | تعداد آن | نوع آسیب اجتماعی | تعداد آن |
|----------------------------|---------------|-----------------------|-------------|
| شاهد جرم دیگری | بیست و سه بار | طلاق | دو بار |
| عدم محبت کافی | پنج بار | وضعیت اقتصادی نامناسب | سی و شش بار |
| یتیمی | چهار بار | کار در سنین کودکی | هشت بار |
| زندانی بودن سرپرست خانواده | دو بار | - | - |

با توجه به شرایط نامناسب خانواده‌های قشر پایین جامعه، از نویسنده واقع‌گرای ژمان انتظار می‌رفت علاوه بر وضعیت بد اقتصادی به دیگر آسیب‌های اجتماعی هم نگاه گسترده‌تری داشت. با این حال نباید پنداشت که چنین شرایطی فقط متعلق به ژمان‌ها و کتاب‌های داستان و قصه می‌باشد؛ زیرا این نوع ژمان‌ها پژواک دردها و زخم‌های عمیق جامعه هستند. انعکاس مصاحبه‌های شریف با اهالی روستا و درد دل مردم رنج کشیده، ظلم، بی‌عدالتی و فقر فراگیر در جامعه را نشان داده و می‌خواهد بگوید هر جا که می‌رود، آسمان همین‌طور است (ایران‌زاده و سپهوند، ۱۳۸۷: ۶۲). نویسنده می‌کوشد با به تصویر کشیدن آن‌ها ذهن مخاطبان خود را برانگیزد و تلنگری بزند به سیاست‌گذاران و متولیان که می‌توانند با اصلاح شرایط اجتماعی و اقتصادی، بسترها و زمینه‌های بزهکاری و بزه‌دیدگی را تا حدود زیادی بزدایند.

۲. رویکرد علت‌شناسانه به جرایم موضوع ژمان

رویکرد علت‌شناسانه به مقوله بزهکاری و بزه‌دیدگی، ریشه در جرم‌شناسی دارد. جرم‌شناسی چنان که گفته‌اند، علمی است که به مطالعه پدیده مجرمانه، علل ارتکاب جرایم و چگونگی بزه‌دیدگی و آثار آن بر جامعه و خود قربانی می‌پردازد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ج ۷۲). همان‌طور که در این تعریف مشخص است، یکی از محورهای جرم‌شناسی بررسی دلایل ارتکاب جرم می‌باشد. رفتارهای انسانی از عوامل فردی یا محیطی سرچشمه می‌گیرند، رفتار بزهکارانه نیز به عنوان پدیده انسانی تحت تأثیر عوامل فردی و محیطی پدید می‌آید. عوامل فردی دربرگیرنده مجموعه عواملی است

که از ویژگی‌های فردی انسان بزه‌کار فاش می‌شود. این می‌تواند جنبه سرشتی و یا اکتسابی داشته باشد. به دسته نخست، عوامل زیستی و به دسته دوم، عوامل روانی می‌گویند. عوامل محیطی دربرگیرنده آن دسته عواملی است که از ویژگی‌های محیطی مانند محیط زیستی، محیط طبیعی، محیط اجتماعی سرچشمه می‌گیرد (شاملو، ۱۳۹۰: ۴۹). مهم‌ترین عوامل اجتماعی که کودکان را به معارضة با قانون وامی‌دارد، عبارت‌اند از: فقر، خانواده‌های از هم گسیخته، محرومیت از آموزش، فقدان فرصت‌های شغلی، مهاجرت، استفاده از مواد مخدر، فشار گروه‌های هم‌سال، فقدان راهنمایی والدین، خشونت، سوءاستفاده و بهره‌کشی (بارانی و حزینی، ۱۳۸۸: ۱۵۹). زمان *سال‌های ابری* نیز از این واقعیت‌های ناخوشایند به دور نیست و می‌توان همه عوامل را در آن پیدا کرد.^۱

در باب چرایی بزه‌کاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان می‌توان از چشم‌انداز نظریه‌هایی مانند نظریه عمومی فشار، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه دلبستگی، نظریه مارکسیستی که بیشتر ابعاد جامعه‌شناختی و روان‌شناختی دارند، به تحلیل وقایع زمان مذکور پرداخت و دلایل را شناسایی کرد. هرچند نظریه‌های جرم‌شناسی فراتر از موارد مذکور هستند، اما در تحلیل محتوا لاجرم باید دست به گزینش زده و به مواردی اکتفا نمود که به فضای حاکم بر موضوع داستان نزدیک است. رویکرد چپ‌گرایانه و سوسیالیستی زمان موصوف، مجال کمتری به سایر نظریه‌ها و خوانش‌های جرم‌شناسانه می‌دهد.

۱-۲. نظریه عمومی فشار^۲

مطابق نظریه‌های فشار، انسان‌ها در ذات خود منحرف و بزه‌کار نیستند، بلکه در اثر فشار به سوی جرم کشیده می‌شوند. فشار ناشی از رسیدن به آمال و آرزوها از یک سو و عدم امکان دستیابی به آن‌ها از راه‌های قانونی از سوی دیگر، زمینه‌ساز تمایل به سمت ارتکاب جرم می‌شود. علت آن در این است که ساختار اجتماعی جوامع به گونه‌ای

۱. در خصوص نوع بزه‌دیدگی‌ها و بزه‌کاری‌های حاکم در متن زمان نیز می‌توان همچنان آن موارد را در جامعه کنونی مان یافت؛ برای مثال، طبق آخرین آمار که انجمن حمایت از حقوق کودکان منتشر نموده است، ۱۲۷۰۰ مورد کودک‌آزاری به صدای یارای انجمن گزارش شده است (<https://www.isna.ir/news/96042917117>).

2. General strain theory.

است که بی‌عدالتی اقتصادی، جنبه جرم‌زایی به خود می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱ الف: ۹۱). نظریه عمومی فشار از رابرت اگینو،^۱ جامعه‌شناس مشهور، به تبیین و روشن شدن سطح خرد فردی و تأثیرات فشار کمک می‌کند؛ در حالی که مرتن اختلاف طبقات اجتماعی را در نرخ جرایم تعیین کننده می‌داند. اگینو می‌کوشد نشان دهد که وجود استرس و تحمل فشار احتمال ارتکاب جرم را در افراد افزایش می‌دهد (Siegel, 2001: 25). او در نظریه فشار، توجه خود را به روابط منفی افراد با دیگران معطوف داشته و چنین استدلال می‌کند که روابط منفی موجب ایجاد هیجانات منفی در فرد می‌گردد و این هیجانات، جرم را به وجود می‌آورند. این یک نظریه کلی درباره جرم است، ولی اگینو از آن برای تبیین چرایی ابتلاء جوانان به بزه و مصرف مواد مخدر استفاده می‌نماید (برنارد و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۳۸). روابط منفی روابطی هستند که شخصی را از رسیدن به هدفی ارزشمند باز می‌دارند یا چیز باارزشی را از او می‌ستانند یا امر ناخوشایند و ناخواسته‌ای را بر فرد تحمیل می‌کنند.

اگینو در این نظریه، معتقد به وجود سه منبع اصلی فشار برای کج‌روی و بزهکاری است که یکی از آن‌ها عدم موفقیت در دستیابی به اهداف مثبت است. منبع دوم فشار، حذف وقایع باارزش از نظر اجتماعی است؛ همچون از دست دادن نزدیکان، طلاق پدر و مادر، اخراج از شغل یا مدرسه. منبع سوم فشار، تجربه وقایع منفی از نظر ارزش‌های اجتماعی است که این شامل تجربیاتی مانند سوءاستفاده جنسی از کودکان، قربانی شدن در یک واقعه جنایی و تنبیه لفظی یا جنایی می‌باشد (ممتاز، ۱۳۸۷: ۷۸).

سبک نویسنده ژمان سال‌های ابری در بازگویی مشکلات و نابهنجاری‌های اجتماعی، نشان دادن این مشکلات در زندگی مردم و بیان کردن پیامدهای کمبودهاست. درویشیان برای برجسته کردن دردهای مردم و جامعه، گاه راوی را به گزارش و نمایش آن‌ها وامی‌دارد و گاه این کار را از طریق شخصیت‌های دیگر داستان انجام می‌دهد (ایران‌زاده و سپهوند، ۱۳۸۷: ۶۳). او با اشاره به ناتوانی اشخاص در برطرف نمودن کمبودهای زندگی، آن را عامل فشاری می‌داند که موجب گرایش آن‌ها به سوی

1. Robert Agino.

انحراف خواهد شد. نمونه واضح این ادعا در زمان مذکور، پدر شریف است. او ابتدا فرد نیمه ثروتمندی بود و به خاطر بیماری و تأمین مخارج درمان، مجبور به فروش خانه و کرایه کردن اتاق می‌شود و بعدها با نفوذ انگلیسی‌ها در کرمانشاه، گرانی و احتکار و قحطی بیداد می‌کند. او شغل پیدا نمی‌کند و حتی از شغلی که در کمپانی پیدا کرده بود، به خاطر حمایت از حقوق کارگران استعفا می‌دهد و بعد از آن، برادرش او را از مغازه مشترکشان بیرون می‌کند و در شرایط نابسامان اقتصادی قرار می‌گیرد؛ به طوری که حتی خانواده‌اش به نان شبشان محتاج می‌شوند. شریف به خاطر همین موارد است که می‌گوید:

«کار به کتک کاری می‌کشد. بابا دیگر آن آدم مظلوم نیست. چشمانش سرخ می‌شود. گیسوی ننه را دور می‌چ خود می‌پیچاند و او را به دنبال خود دور کرسی می‌گرداند. من و لطیف و بشیر جیغ می‌کشیم...»^۱ (درویشیان، ۱۳۷۰: ۶۰۲).

حتی برای تأکید بر اینکه فشار اقتصادی، چنین واکنشی را به دنبال دارد، می‌توان به این گفته شریف اشاره نمود:

«... بابای ما هم بعضی شب‌ها می‌خندد. هر شب که خرجی مان را بدهد و نگوید: فردا... فردا...» (همان: ۶۰۴).

همین شرایط وخیم و نامساعد اقتصادی است که موجب می‌شود پدر شریف هم برای تأمین مخارج فرزندان به دام کارهای خلافی چون سرقت سیم چراغ برق، قاچاق و... دست زند.

بر اساس نظریه آگینو، نظریه‌های سنتی فشار، به مسئله از نگاه مشکلات دستیابی به اهداف دارای ارزش مثبت می‌نگریستند؛ یعنی ناتوانی در به دست آوردن آنچه یک نفر می‌خواهد. اما همان گونه که می‌توان جلوی اهداف یک فرد را گرفت، همان گونه هم

۱. در روان‌شناسی جنایی نظریه‌ای تحت عنوان ناکامی و پرخاشگری وجود دارد که آن را عامل شکست‌های افراد از قبیل شکست اقتصادی دانسته و موجب پرخاش‌گری و صدمه فرد بر دیگران می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹: ۷). و لذا با توجه به این که کودکان جزء آسیب پذیرترین افراد بوده و نمی‌توانند به خوبی از خود دفاع کنند، پیش از دیگران در معرض بزه‌دیدگی چنین جرایمی قرار خواهند داشت.

می‌توان از موقعیت‌های نامطلوب با رخداد‌های پرفشار در زندگی اجتناب کرد (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۵: ۳۵۳). البته تمام افرادی که فشار را تحمل می‌نمایند، ناگزیر به سوی جرم و انحرافات اجتماعی کشیده نمی‌شوند و برخی از آن‌ها قادرند منابع ذهنی و رفتاری‌شان را در مقابله با خشم و محدودیت ایجادشده به وسیله فشار مدیریت نمایند. دفاع نیز می‌تواند در شکل منفی صورت گیرد، افراد ممکن است قادر باشند شرایط محرومیت‌زا را عقلانی سازند؛ یعنی با وجود فشار اقتصادی، دست به اعمال مجرمانه نزنند. دیگران راه حل‌های رفتاری را جستجو می‌کنند، آن‌ها از شرایط می‌گریزند یا به دنبال انتقام و تلافی از کسانی هستند که فشار را به وجود آورده‌اند. عده‌ای می‌کوشند تا با راهکارهایی، از روش فیزیکی گرفته تا مصرف مواد مخدر، به تعادل دوباره دست یابند (Siegel, 2001: 25).

دایی سلیم که از بچگی کارگر کمپانی نفت بوده و با مشکلات و فشارهای اقتصادی فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند، با دوستانش در صدد اصلاح رابطه کارگر و کارفرما و مبارزه با فاصله طبقاتی است. با این حال، زمانی که امکان از بین بردن این شرایط فشار وجود ندارد، رفته رفته به سوی سیگار کشیده شده و دیگر آن آدم فعال و پر جنب و جوشی که شریف را نیز تشویق به این مسیر می‌کرد، نیست و حالتی گوشه‌گیرانه را از او شاهدیم.

نویسنده سال‌های ابری به درستی با چینش وقایع نامناسب، ذهن مخاطب خود را با تأثیر فشارهای اقتصادی بر زندگی افراد آشنا می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه بحران‌های مالی می‌توانند زمینه فروپاشی یک زندگی سالم و عادی را فراهم نمایند.

۲-۲. نظریه یادگیری اجتماعی^۱

نظریه یادگیری اجتماعی و تقلید در جرم‌شناسی توسط گابریل تارد^۲ مطرح گردید و بعدها توسط روتر^۳ (۱۹۵۴) تقویت شد، اما این نظریه شهرت عمده خود را مدیون

1. Social learning theory.
2. Gabriel Tarde.
3. Rotter.

بندورا^۱ روان‌شناس آمریکایی است (دادستان، ۱۳۹۰: ۸۷). بندورا در این نظریه معتقد است که بیشتر یادگیری‌های انسان نه از طریق تجربه مستقیم، بلکه به واسطه تجربه غیرمستقیم و شاهد تجربه دیگران بودن حاصل می‌شود. سازوکار این نوع از یادگیری «تشویق و تنبیه جانشینی» است؛ یعنی اگر شاهد رفتاری مثبت باشیم، انگیزه تکرار آن به صورت تقلید در ما ایجاد و افزایش می‌یابد و اگر ناظر رفتاری باشیم که به جهت آن فرد الگو تنبیه می‌گردد، میل به اجتناب و کناره‌گیری از آن رفتار منحرفانه در ما ایجاد می‌شود (شاملو، ۱۳۹۰: ۷۰). اگرچه یادگیری مشاهده‌ای در نگاه نخست، فرایند ساده‌ای به نظر می‌رسد، ولی در واقع این طور نیست؛ زیرا همه مشاهده‌گران، الگوهای رفتاری سرمشق را کسب نمی‌کنند. به نظر می‌رسد که خصوصیات فرد سرمشق (یعنی وجهه و اعتبار او) و ویژگی‌های مشاهده‌گر (وابستگی وی به دیگران) در این امر مؤثر است. بنابراین اگرچه یادگیری مشاهده‌ای ممکن است فرایند قدرتمندی باشد، اما نباید پنداشت که به طور خودکار اتفاق می‌افتد و یا اینکه یادگیرنده موظف است عیناً از دیگران سرمشق گیرد (آفایوسفی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۴۴).

بندورا و همکاران وی معتقدند که سه عامل می‌تواند بر سرمشق‌گیری افراد تأثیرگذار باشد. عامل اول، ویژگی الگوهاست. این ویژگی بر انگیزه تقلید از الگوها تأثیر می‌گذارد. ویژگی‌های اثربخش می‌تواند شباهت الگو و مشاهده‌گر، سن و جنسیت (معمولاً تأثیرپذیری از همسالان و هم‌جنس بیشتر است)، مقام و شهرت و تبلیغات تلویزیونی باشد. ویژگی‌های مشاهده‌گرها نیز به عنوان عامل دیگر، می‌تواند در یادگیری مشاهده‌ای تأثیرگذار باشد. افرادی که از اعتماد به نفس پایینی برخوردارند، به احتمال قوی از رفتار الگویی افراد با اعتماد به نفس بالاتر تقلید می‌کنند. پیامدهای پاداش مرتبط با رفتارها عامل سوم است که می‌تواند تأثیر ویژگی‌های الگوها و مشاهده‌گرها را تحت شعاع قرار دهد (شولتز، ۱۳۸۹: ۴۵۲). از دیدگاه جرم‌شناسی پژوهشگران دریافته‌اند که آن دسته از کودکانی که در خانواده‌های دارای شیوه خشونت‌آمیز زندگی می‌کنند، ممکن است از طریق یادگیری به این باور برسند که

1. Albert Bandura.

چنین رفتاری امری پسندیده و مفید است، حتی اگر والدین به کودکان خود بگویند خشن نباشند؛ زیرا کودکان بیشتر به آنچه والدینشان انجام می‌دهند توجه دارند تا آنچه می‌گویند (معظمی، ۱۳۹۰: ۱۶۳). این موضوع در خصوص جرایم ارتكابی توسط والدین که کودکان مشاهده‌گر آن هستند، هم صادق می‌باشد.

در زمان سال‌های ابری، همان‌طور که در مبحث شاهد جرم اشاره شد، کودکان در موارد متعدد ناظر ارتكاب جرم توسط بزرگسالان و همسالان خود هستند؛ برای نمونه، علاوه بر موارد مذکور، فرزندان داوریشه شاهد مصرف مواد مخدر توسط همسایه‌شان بوده و حتی «محمدعلی» کودک این خانواده نیز اعتیاد پیدا نموده است (درویشیان، ۱۳۷۰: ۵۵) و یا شریف سیگار کشیدن دایی سلیم را که تقریباً به لحاظ سنّی نزدیک به هم هستند، مشاهده می‌کند (همان: ۴۶۶) و یا شریف شاهد جاسازی سیم‌های مسی برقی دزدیده‌شده توسط پدر و دوستان پدرش است:

«مردان انبردست را برمی‌دارد. در گونی‌ها را که با سیمی بسته شده، باز می‌کند و سیم‌های مسی را که حلقه حلقه در هم پیچیده شده، بیرون می‌آورد. حلقه‌ها را به کمک دایی حامد و الماسه و بابام و مشی شکر، صاف می‌کنند...» (همان: ۳۰۶).

حتی نسبت به یکی از این دزدها، شریف به خاطر مقاومتش در برابر انگلیسی‌ها در کمپانی نفت، علاقه‌مند بوده و به نوعی او را الگوی خود می‌داند: «با محبت به مردان خیره شده‌ام، او را دوست می‌دارم...» (همان: ۳۰۴).

در سرتاسر زمان با چنین مواردی مواجه می‌شویم و در برخی موارد چنین تقلیدهایی را شاهدیم. برای مثال، شریف و برادرش گاه اقدام به سرقت‌های خُرد می‌کنند، اما تداوم وجود ندارد؛ زیرا نصیحت‌های مؤثر فردی همچون «بی‌بی» (همان: ۷۶۹) و نیز الگوهای انتخابی شریف و همانندسازی خود با آنها به عنوان قهرمان‌های ملی و یا استانی که در برابر استعمار ایستادگی کرده‌اند، مانع از آن می‌شود. برای نمونه، «عموالفت شب‌ها کتاب امیرحمزه را می‌خواند و من دلم می‌خواهد پسر او باشم» (همان: ۲۹) و حتی وقتی از او می‌پرسند که تو پسر که هستی، همیشه پاسخ می‌دهد: «من پسر امیرحمزه صاحب‌قران هستم...» (همان: ۲۸).

بنابراین این موضوع موجب می‌گردد زندگی او به سمت درستی سوق یابد. تعدد و

تقابل الگوهای منفی و مثبت در سرتاسر داستان موجب می‌شود که سرنوشت شریف به گونه دیگری رقم خورد و الگوهای منفی، به رغم تأثیرگذاری‌شان، سرانجام مغلوب الگوهای مثبت شوند.

۲-۳. نظریهٔ دلبستگی^۱

نظریهٔ دلبستگی توسط جان بالبی^۲ مطرح شد. این نظریه بر تکامل نظام دلبستگی و تجلی آن بین کودک و موضوع دلبستگی اولیه متمرکز شده است. به اعتقاد او، گرایش به تحولات اجتماعی و عملکرد روان‌شناختی در طول عمر تأثیر می‌گذارد (سپاه‌منصور و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۵۴). طبق نظریهٔ بالبی، دلبستگی یکی از نیازهای بنیادین انسان‌هاست و زمانی پدید می‌آید که نوزاد رابطهٔ گرم، صمیمی و مداوم با مادرش داشته باشد؛ رابطه‌ای که سبب رضایت و خشنودی هر دو طرف می‌شود (قربانی، ۱۳۹۱: ۱۲۳). هازان و شیور با بررسی نظریهٔ دلبستگی در بزرگسالی نشان می‌دهند که سبک‌های دلبستگی در درازای عمر تداوم می‌یابند و موضوع آن افزون بر مادر، بزرگسالان، همسر و دوستان را نیز در بر می‌گیرد. وجود سبک‌های دلبستگی متفاوت در بزرگسالی، مشابه تفاوت‌های فردی سبک‌های دلبستگی دوران کودکی است و دلبستگی از گهواره تا گور تداوم می‌یابد و عشق در بزرگسالی را به مثابهٔ مرحله‌ای از دلبستگی به حساب می‌آورند (سپاه‌منصور و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۵۴).

در رُمان *سال‌های ابری*، نویسنده موارد گوناگونی را از کودکانی روایت می‌کند که دارای مادر نبوده و یا آن‌ها را ترک کرده‌اند.

الف) نداشتن مادر: برای نمونه، پدر بزرگ شریف به هنگام تولد، مادرش را از دست داده و از آنجایی که پدرش فراری از خان‌ها بوده، توسط زن فقیری با کمترین امکانات بزرگ می‌شود (درویشیان، ۱۳۷۰: ۱۱۰). نمونهٔ دیگر، موری دوست صمیمی شریف است. شریف در معرفی او می‌گوید: «موری پسر خالوحیدر است، خالوحیدر زنش مرده و خودش طبق دارست» (همان: ۵۶).

1. Theory of attachment.

2. Edward John Mostyn Bowlby.

ب) ترک مادر: شریف (شخصیت اصلی داستان) دارای برادری ناتنی به نام داشی است که مادرش به دلیل ازدواج مجدد، او را ترک می‌کند (همان: ۳۴۲). یا دایی حامد سال‌ها از مادر خود دور بوده و در دست نامادری خود با انواع کودک‌آزاری روبه‌رو و هیچ‌گونه محبت مادرانه را نچشیده است (همان: ۳۸).

بر اساس نظریه محرومیت از مادر و بزهکاری جان‌بالی، کودک تا پنج سالگی نیازمند رابطه‌ای نزدیک و مداوم با مادر خود است. چنانچه این رابطه به هر علت مختل گردد، عواقب آن می‌تواند به ناتوانی کودک در ایجاد یک رابطه صحیح و معنادار با دیگران بینجامد. در بعضی از افراد، این‌گونه روابط فاقد عاطفه ممکن است منجر به رفتارهای بزهکارانه نیز گردد (آزاد، ۱۳۸۸: ۸۸).^۱ مبانی نظری جان‌بالی بر تحقیق درباره ۴۴ نوجوانی استوار است که به دلیل سرقت، به کلینیک هدایت کودک ارجاع شده بودند.

این نوجوانان با یک گروه هم‌نوا از نوجوانان غیر بزهکار در همان مرکز مقایسه شدند و سطح بالاتری از محرومیت مادرانه را نشان دادند (واین و سامونز، ۱۳۹۴: ۶۷). به عبارت دیگر چهار درصد این نوجوانان در طول پنج سال نخست زندگی، جدایی از مادر را تجربه کرده بودند (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۵: ۱۲۷). اگرچه یافته‌های حاصل از پژوهش‌ها، نقش ازهم‌گسیختگی خانوادگی در شکل‌گیری رفتار مجرمانه را به اثبات رسانده‌اند، اما مؤلفان بر این باورند که تأثیر عوامل خانوادگی بسیار پیچیده‌تر از آن است که تنها به محرومیت مادرانه محدود شود و شاید بهتر باشد به جای توجه انحصاری به یک پیوستگی علت و معلولی بین جدایی مادرانه با اختلالات دوران کودکی، کیفیت کنونی تربیت و ارتباط نیز در نظر گرفته شود (دادستان، ۱۳۹۰: ۸۰).

۱. به نظر می‌رسد این موضوع در بزه‌دیدگی هم می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ برای مثال اگرچه شریف و برادرانش همچون برادر ناتنی‌شان مورد کودک‌آزاری (تنبیه) توسط پدر قرار می‌گرفتند، اما در بسیاری از موارد، وجود مادر به عنوان مانعی بر سر تنبیه فرزندانش جلوه‌گر می‌شود؛ موردی که در خصوص برادر ناتنی صدق نمی‌کند. البته این موضوع را می‌توان تحت نظریه فعالیت‌های روزمره فلسون و کوهن از دید بزه‌دیدگی به طور مستقیم بررسی نمود؛ زیرا یکی از ارکانی که به عنوان مانع در خصوص بزه‌دیدگی افراد مطرح می‌شود، وجود نگهبان در کنار آنچه که موضوع جرم قرار می‌گیرد، می‌باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۸۱).

با نگاهی علت‌شناسانه به اشخاصی که در این زمان، محبت مادرانه را به درستی نچشیده‌اند، متوجه می‌شویم که فقط دایی حامد سال‌ها بعد که در کمپانی نفت مشغول به کار است، دست به دزدی می‌زند:

«هر شب که دایی حامد از کمپانی به خانه می‌آید، از کف کلاش خود دو تیکه فلز زرد رنگ که به اندازه کف پا بریده، بیرون می‌آورد...» (همان: ۲۷۹).

اگرچه بعدها به خاطر اصرار بی‌بی این کار را کنار می‌گذارد، اما افراد دیگر این مجموعه که مرتکب جرم نشده‌اند، به ویژه موری و برادر ناتنی شریف، دارای خصوصیات هستند که می‌توان آن‌ها را در زمره کودکان در معرض خطر قرار داده و گفت شرایط بالقوه احتمال بزه‌کار یا بزه‌دیده شدن در آینده را دارا می‌باشند.

۲-۴. نظریه مارکسیستی^۱

توجه به فاصله طبقاتی و مسائل اقتصادی مربوط به آن، که ریشه در دیدگاه مارکس و انگلس دارد، در واپسین سال‌های دهه ۱۹۶۰ و سال‌های آغازین ۱۹۷۰ در قلمرو جرم‌شناسی به اوج خود رسید و در آثار بسیاری از جرم‌شناسان این دوره منعکس گردید. بر اساس این دیدگاه، جرم تابع نظام سرمایه‌داری است و ریشه در شرایط اقتصادی دارد (نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۵: ۱۹۰). فرایند انباشت سرمایه در دست سرمایه‌داران، به بیکاری بخشی از اعضای طبقه محروم می‌انجامد که دلیل اصلی بزه‌کاری شناخته می‌شود؛ چیزی که مارکس آن را جمعیت مازاد حاشیه‌ای می‌نامد و ناتوانی جمعیت بیکار در تأمین یک زندگی محترمانه، آن‌ها را به کج‌رفتاری سوق می‌دهد. این کج‌رفتاری‌ها تنها مربوط به سرقت اموال نیست، بلکه جرایم و انحراف‌هایی همچون زد و خورد، تجاوز، قتل و الکل‌سزم و خودکشی را نیز در بر می‌گیرد و موجب بروز بیماری‌های روانی می‌شود (بخارایی، ۱۳۹۱: ۶۷). در جرم‌شناسی مارکسیستی، کارکرد اصلی دولت نه بر آوردن منافع کوتاه‌مدت سرمایه‌داران، بلکه تضمین بقای روابط اجتماعی و سرمایه‌داری در بلندمدت است. این هدف ایجاد می‌کند تا برای پیشگیری از پیدایش شرایطی که به فروپاشی سرمایه‌داری می‌انجامد، در

1. Marksist theory.

زمان‌های مختلف، منافع گوناگون برآورده شوند (برنارد و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۳۹).

انعکاس آموزه‌ها و اندیشه‌های بشری در ادبیات و بازتاب مسائل سیاسی به گونه‌ای است که می‌توان جریانی را با عنوان ادبیات داستانی سیاست‌گرا در کنار جریان‌های دیگر ادبیات داستانی معاصر نشان داد؛ ادبیاتی که بزرگ‌ترین مشکل یا سرمنشأ مشکلات و مسائل ذهن شخصیت‌های آن، از یک سو رژیم سیاسی حاکم بر جامعه، نوع مناسبات قدرت و نبود آزادی سیاسی و از سوی دیگر نقد اشخاص یا اندیشه سیاسی و تشریح انتقادی نظام سیاسی است (گرگی، ۱۳۹۱: ۷۲-۷۳). در زمان یادشده نیز نویسنده با اندیشه سیاسی مارکسیست گونه می‌کوشد تا تفاوت‌های دو نوع زندگی مرفه (سرمایه‌دار) و فقیر (مستمند) را به تصویر بکشد و شخصیت‌های داستان نیز به گونه‌ای به جنگ نظام سرمایه‌داری می‌روند و از این رهگذر، اگر جرمی از طرف اعضای خانواده رخ داده باشد، آن را با نگاهی علت‌شناسانه به فقر و فاصله طبقاتی ربط می‌دهد؛^۱ برای نمونه، زمانی که بی‌بی و شریف در بازار هستند، از کنار کودکان تاجر فرش فروش که مشغول خوردن آب‌آلوی خنک هستند، می‌گذرند؛ ناگاه «بی‌بی آه می‌کشد: خدایا، شکرت! همه چیز به دست خودت است» (درویشیان، ۱۳۷۰: ۲۳۷). یا پدر شریف درباره انگلیس که حامی قشر مرفه است، می‌گوید:

«انگریزی‌ها برای ما چه آورده‌اند؟ مالاریا، قحطی، گرسنگی، مریضی و سرگردانی و گرانی. ما که چیزی نداشتیم که موقع جنگ گران بشود. برای بعضی‌ها جنگ شد کوه خیز، برای آنان که انبارشان پُر بود، قیمت‌ها ده برابر شد، واجب‌الحج شده‌اند... عمولفت: سر من و تو را که شیره می‌مالند. دیروز هم هرچه گشتیم، برای یک دانه سر قامه (از وسایل فتر ماشین)، نبود که نبود! مجبور شدیم از انبار...» (همان: ۱۰۰).

بابای شریف دوباره می‌گوید: «ما در این جنگ شکست خوردیم، نه پول‌دارها»

۱. البته همین موضوع را که فقر می‌تواند بر فاصله طبقاتی و بزهکاری اطفال تأثیرگذار باشد، به نوعی در بزه‌دیدگی کودکان نیز تأثیرگذار خواهد بود؛ چرا که به نوعی موجب تغییر سبک زندگی چنین خانواده‌هایی می‌شود و کودکان مجبور به کار کردن در بیرون از خانه برای ساعت‌های طولانی می‌گردند و لذا در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. این موضوع را به صراحت در زمان شاهد هستیم؛ شریف در مغازه یک فرد بچه‌باز مشغول به کار بوده و اگر دایی حامد زودتر متوجه نمی‌شد، او در دام بزه‌دیدگی جنسی گرفتار می‌آمد.

(همان: ۱۰۲).

به خاطر همین موضوع، بعدها دایی سلیم به حزب توده که مارکسیستی بود، ملحق شده و به کارهایی برای از بین بردن نظام سرمایه‌داری دست می‌زند (همان: ۲۸۷). حتی زمانی مردان‌خان، که یک پهلوان و الگوی محبوب برای شریف محسوب می‌شود، دست به دزدی می‌زند، علت دزدی خود را بیکاری و گرسنگی معرفی می‌کند (همان: ۳۰۴). این موضوع و شرایط حتی موجب می‌شود که سال‌ها بعد قهرمان اصلی داستان (شریف) به خاطر مبارزه با ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌های طبقاتی که در رژیم شاهنشاهی وجود دارد، سال‌هایی از بهترین دوران زندگی خود را در زندان سپری کند.

نتیجه‌گیری

افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، به عنوان سرمایه‌آن محسوب می‌شوند. پیشرفت یک اجتماع، افزون بر منابع مناسب مالی، رابطه تنگاتنگی با منابع انسانی دارد و کودکان به عنوان اصلی‌ترین منابع، نقش برجسته‌ای را در این میان ایفا می‌نمایند. در حال حاضر، کودکان و نوجوانان بسیاری از شرایط نامناسب برخوردارند که آمار دقیقی درباره‌ی آنان در دست نیست. بالا بودن آمار سیاه‌انگاری که در شرایط نامناسب به سر می‌برند، موجب بالا بودن میزان بزه‌دیدگی‌ها می‌گردد. پُر واضح است که بیشتر بزه‌کاران در دوران کودکی مورد آزار و اذیت، سوءاستفاده، بدرفتاری و بی‌توجهی پدر، مادر و اطرافیان قرار گرفته‌اند. نمونه‌های روشن چنین کودکان و بزرگوارهایی در *زمان سال‌های ابری* که به عنوان یک اثر رئالیستی به واقعیت‌های ایران در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ اشاره می‌نماید، قابل شناسایی است. در ایران فعلی نیز در برخی منطقه‌های شهری چنین مواردی دیده می‌شود؛ برای نمونه، در شهر تهران با کمی دقت می‌توان کودکانی مانند شریف، لطیف، دایی سلیم، دایی حامد، موری و کودکانی همانند آن‌ها را پیدا کرد که اگر به درستی با آنان برخورد نشود، به عرصه حقوق‌کیفری گام می‌نهند و حتی برخوردهای غلطی که خانواده خود با آن‌ها داشته با فرزندان خود خواهند داشت؛ مادر شریف بر فرزندانش همان بی‌مهری‌هایی را روا می‌دارد که در کودکی بر او روا داشته‌اند.

با توجه به اینکه یکی از موضوع‌های اساسی مورد بحث جرم‌شناسان، علت‌شناسی رفتار بزه‌کار و بزه‌دیدگی افراد است و هریک از آن‌ها با توجه به مشرب فکری خویش و با تکیه بر یکی از ویژگی‌های فردی، اجتماعی، روانی، ارثی و... به تجزیه و تحلیل رفتار انسانی پرداخته‌اند، بررسی علت‌شناسانه و تحلیل محتوایی *رُمان سال‌های ابری* نیز از این منظر قابل توجه است. شاید آنچه دلیل چنین نزدیکی‌های عمیق میان اندیشه‌های حاکم بر *رُمان* و این نظریه‌ها باشد، افزون بر رئالیستی بودن *رُمان* (حتی برخی بر این باورند که روایت زندگی درویشیان است)، تحصیلات مرتبط نویسنده (روان‌شناسی تربیتی) است که باعث شده به نوعی با نظریه‌های جرم‌شناسانه نزدیک و ناخودآگاه داستان سمت و سویی روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه به خود بگیرد.

با توجه به اهمیت ارتباط میان ادبیات و جرم‌شناسی، ضروری است که آثار ادیبان و شاعران بزرگ ایران و جهان که پژواک زمانه خود بوده‌اند، تا آنجا که به بزه‌کاری و بزه‌دیدگی ارتباط دارد، تحلیل جرم‌شناسانه گردد و یافته‌ها و جلوه‌های جرم‌شناسی در گفتار آنان شناسایی شود، زیرا:

۱. مهم‌ترین نتیجه‌ای که مطالعه همزمان ادبیات (در اینجا، *رُمان‌های رئالیستی*) و جرم‌شناسی می‌تواند داشته باشد، این است که آن‌ها را از حالت میل‌نشینانه جدا نموده و در قلب مردم نفوذ کند و بدین‌سان تأثیر خود را بیش یا کم در کاهش بزه‌کاری و بزه‌دیدگی بگذارد. وانگهی، می‌توان از داستان‌های کودکان در مدرسه‌ها و کتاب‌های درسی به منظور پیشگیری رشد‌مدار و تقویت ذهنی کودکان در برابر آسیب‌ها استفاده نمود.

۲. کارکرد ادبیات داستانی در حوزه حقوق و جرم‌شناسی به نگاه نقادانه به مسائل جامعه و کمبودها و کاستی‌های آن دامن می‌زند؛ روندی که سرانجام موجب می‌شود قانون‌گذاران و سیاست‌ورزان برای پیشگیری و بهبود زندگی کودکان به حمایت‌های قانونی روی آورند. در *رُمان سال‌های ابری* شاهدیم که علاوه بر اینکه کودکان در وضعیت نامساعد بهداشتی و تغذیه‌ای زندگی می‌کنند، در زمینه مسائل روانی نیز از طرف خانواده و اطرافیان‌شان استرس و خشونت‌های فراوانی را متحمل می‌گردند. مهم‌ترین عواقب سویی که در کمین جوامعی مانند جامعه *سال‌های ابری* است، پیدایش

پدیده بزهکاری، ناسازگاری و کج‌مداری است. وجود یک کودک بزهکار تا حد بسیار زیادی مؤید بی‌توجهی به اوست و از این رو توجه مضاعف جامعه «به ویژه دولت‌ها» در پیشگیری از بزهکاری اطفال، ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

Archive of SID

کتاب‌شناسی

۱. آزاد، حسین، *روان‌شناسی مرضی کودک*، تهران، سمت، ۱۳۹۶ ش.
۲. آقاییوسفی، علی‌رضا و دیگران، *روان‌شناسی عمومی*، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۶ ش.
۳. ایران‌زاده، نعمت‌الله و طاهره سپهوند، «بررسی سبکی ژمان سال‌های ابری اثر علی‌اشرف درویشیان»، *پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب*، شماره ۶، ۱۳۸۷ ش.
۴. ایمانی، عباس، *جرم‌شناسی در ادبیات*، چاپ دوم، تهران، نامه هستی، ۱۳۹۰ ش.
۵. ایولاسال، ژان، «صغار در معرض خطر در حقوق فرانسه: مددکاری اجتماعی»، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۶ ش.
۶. بارانی، محمد و علی‌رضا حزینی، «سیاست جنایی پلیس در قبال کودکان و نوجوانان معارض با قانون»، *مجموعه مقالات همایش علمی - کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان*، تهران، نیروی انتظامی، نشر حدیث کوثر، ۱۳۸۸ ش.
۷. بخارایی، احمد، *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، چاپ چهارم، تهران، پیام نور، ۱۳۹۱ ش.
۸. برنارد، تامس، جفری اسنپیس، و الکساندر جروولد، *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه علی شجاعی، ویراست ششم، تهران، سمت، ۱۳۹۲ ش.
۹. پورحسن سنگری، علی، «بررسی قصه‌های کلیله و دمنه از منظر جرم‌شناسی و سیاست جنایی»، *فصل‌نامه تعالی حقوق*، دوره جدید، شماره ۵، ۱۳۹۲ ش.
۱۰. دادستان، پریرخ، *روان‌شناسی جنایی*، چاپ ششم، تهران، سمت، ۱۳۹۰ ش.
۱۱. درویشیان، علی‌اشرف، *از ندادن تا دارا*، چاپ دوم، آذران، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. همو، *سال‌های ابری*، چاپ دوم، تهران، اسپرک، ۱۳۷۰ ش.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۴. رایجیان اصلی، مهرداد، *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*، چاپ دوم، تهران، دادگستر، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. رستمی، هادی و سیدحسن جعفریان، «گفتمان سیاست جنایی و جرم‌شناسی در "آخرین روز یک محکوم"»، *پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، سال نهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷ ش.
۱۶. رستمی، هادی و علی مولاییگی، «خوانش‌های جرم‌شناسانه آثار سعدی (با تأکید بر گلستان و بوستان)»، *فصل‌نامه تحقیقات حقوقی*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۷۷، ۱۳۹۶ ش.
۱۷. رضوانی، روح‌الله، «تحلیل محتوا»، *مجله پژوهش*، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۸۹ ش.
۱۸. رونچی، ژان فرانسوا و کریستین کورتن، *حقوق کیفری کودکان و نوجوانان*، ترجمه بهزاد رضوی‌فرد، و خدیجه بهشتی، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۱۹. زینالی، حمزه، *ابعاد حقوقی و جرم‌شناختی حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر*، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸ ش.
۲۰. سپاه‌منصور، مژگان، فاطمه شهابی‌زاده، و الهه خوش‌نویس، «ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا»، *فصل‌نامه روان‌شناسان ایرانی*، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۸۷ ش.
۲۱. شاملو، باقر، *عدالت کیفری و اطفال*، تهران، جنگل، ۱۳۹۰ ش.
۲۲. شریفی، محمد، *فرهنگ ادبیات فارسی*، تهران، فرهنگ نشر نو، معین، ۱۳۸۷ ش.
۲۳. شولتز، دوآن پی.، و سیدنی آلن شولتز، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹ ش.

۲۴. عباچی، مریم، *حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد*، چاپ دوم، تهران، مجد، ۱۳۸۸ ش.
۲۵. همو، «رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه‌دیده»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره‌های ۵۳-۵۲، ۱۳۸۴ ش.
۲۶. علی‌احمدی، امید، *مصرف ادبیات داستانی ایرانیان*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۲۷. علی‌اکبری، نسرین و طاهره کوچکیان، «سال‌های ابری در نگاه نو (اتوبیوگرافی - زمان)»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد*، شماره ۱۵۹، ۱۳۸۶ ش.
۲۸. فرکلاف، نورمن، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹ ش.
۲۹. قربان‌نیا، محسن، *حمایت از اطفال در معرض خطر در سیاست جنایی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۲ ش.
۳۰. قربانی، نیما، *روان‌درمانگری بویشتی فشرده و کوتاه‌مدت (مبادی و فنون)*، تهران، سمت، ۱۳۹۱ ش.
۳۱. کلانتری، کیومرث و ابوذر نصرالهی، «ضرورت وجود یک سیاست جنایی افتراقی در قبال کودکان و نوجوانان بزه‌دیده»، *مجموعه مقالات: سیاست کیفری کودکان و نوجوانان بزه‌دیده و بزهکار*، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۳۲. گرجی، مصطفی، «نخستین داستان سیاسی پس از انقلاب اسلامی، بررسی و تحلیل گفتمان داستان سلول ۱۸ از علی‌اشرف درویشیان»: *فصل‌نامه نقد ادبی*، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۳۹۱ ش.
۳۳. گورمن-اسمیت، دבורاه، و آلانا ام. ویولو، «رویکردهای رشد‌مدار در پیشگیری از بزهکاری دختران»، *ترجمه اعظم مهدی‌پور*، در کتاب: *دانشنامه پیشگیری از جرم*، تهران، میزان، ۱۳۹۴ ش.
۳۴. محسنی، فرید، *جرم‌شناسی*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴ ش.
۳۵. محمدی، سایر، *معرفی واژه‌ها «گفتگو با... علی‌اشرف درویشیان و...»*، تهران، آبی، ۱۳۸۴ ش.
۳۶. معظمی، شهلا، *بزهکاری کودکان و نوجوانان*، چاپ سوم، تهران، دادگستر، ۱۳۹۰ ش.
۳۷. ممتاز، فریده، *انحرافات اجتماعی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)*، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷ ش.
۳۸. مولاییگی، علی، *خوانش‌های جرم‌شناسانه از کودک در ادبیات داستانی معاصر ایران با تأکید بر آثار علی‌اشرف درویشیان*، صادق چوبک، غلام‌حسین ساعدی، احمد محمود، پایان‌نامه دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۷ ش.
۳۹. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، «از حق‌های کودکان تا حقوق کودکان»، *دیپاچه در کتاب: مدنی قهفرخی، سعید و امیرحمزه زینالی، آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران «با تأکید بر کودک‌آزاری»*، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.
۴۰. همو، «بزه‌دیدگی اطفال»، *ماهنامه قضاوت*، شماره ۴۵، ۱۳۸۶ ش.
۴۱. همو، *جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم)*، تقریرات دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم مهدی صبوری‌پور، ۱۳۹۱ ش (الف)، قابل دسترس در وبگاه <www.lawtest.ir>.
۴۲. همو، «سن و علوم جنایی»، *دیپاچه در کتاب: رجیب‌پور، محمود، مبانی پیشگیری اجتماعی رشد‌مدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان*، تهران، میزان، ۱۳۹۱ ش (ب).

۴۳. همو، مباحثی در علوم جنایی (تقریرات)، به کوشش شهرام ابراهیمی، ۱۳۹۱ ش (ج). قابل دسترس در وبگاه <www.lawtest.ir>.
۴۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ چهارم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۵ ش.
۴۵. نیازپور، امیرحسین، «پاسخ‌های عدالت کیفری ایران به بزهکاری اطفال»، فصل‌نامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۴، ۱۳۸۹ ش.
۴۶. وایت، رابرت داگلاس و فیونا هینز، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، چاپ هشتم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵ ش.
۴۷. واین، دیویدپوت و آیدن سامونز، روان‌شناسی و جرم، ترجمه داوود نجفی توانا، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۹۴ ش.
۴۸. ویلیامز، فرانک پی، و ماری‌لین دی. مک‌شین، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ ششم، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
49. International Criminal Court, *Policy on Children*, November 2016.
50. Siegel, Larry J., *Criminology: Theories, Patterns and Typologies*, Wadsworth, 2001.

موجز المقالات

المسؤولية الناجمة عن الأعمال الإجرامية المشتركة في قانون العقوبات

الدولي

- عارف رشنودي (طالب دكتوراه في القانون الجنائي والإجرام)
- محمد علي أردبيلي (أستاذ بجامعة الشهيد بهشتي)

تُعَدُّ الأعمال الإجرامية المشتركة اليوم إحدى أهمِّ حالات المسؤولية الجنائية في القانون الجنائي الدولي. وتعود أهمية هذا الموضوع إلى تناغم هذه الحالة من المسؤولية مع طريقة ارتكاب الجرائم الدولية؛ لأنَّ المجرمين يرتكبونها في أغلب الأوقات بصورة جماعية وعلى أساس خطة مشتركة وعلى نطاق واسع ويأشرف كبارهم في دور القائد والموجه. ونظرًا إلى شيوع استخدام هذه الطريقة من المسؤولية الجنائية من قبل الجهات الملاحقة لأجل توجيه المسؤولية نحو المتهمين بالجرائم الجماعية ومن جهة أخرى نظرًا إلى تحديات عديدة في المبادئ القانونية لهذه المسؤولية وتفسيرها الموسع من جانب الجهات الملاحقة في المحاكم المختصة (يوغسلافيا ورواندا) وبالتالي المحاكم التركيبية (محكمة سيراليون، كمبوديا و...) أفضى إلى انتقاد هذه المسؤولية على نطاق

واسع. يتعلّق معظم تلك الانتقادات بأنّ هذه المسؤولية لم يعترف بها بعد فى القانون الدولى حينما اعترفت بها محكمة يوغسلافيا السابقة فى خصوص قضية تاديچ، ولم يعتبر كثير من المنتقدين هذه المسؤولية حصيلة القانون الدولى العرفى، ويعتبرونها إبداعاً قضائياً، خارج نطاق ميثاق محكمة يوغسلافيا والقانون الدولى العرفى. المفردات الرئيسة: طرق المسؤولية الجنائية، عمل إجرامى مشترك، الجرائم الدولية، انتقاد علمى وقضائى، القانون الدولى الجنائى.

دراسة مقارنة للسياسة الجنائية فى المخدرات مع نظرة على السياسة

الجنائية لإيران

- حسنعلی مؤذّن زادگان (أستاذ مشارك بجامعة العلامة الطباطبائى)
- محمّد فرجى (طالب دكتوراه فى القانون الجنائى والإجرام)

بعد إعلان الحرب على المخدرات فى السبعينيات فى الولايات المتحدة الأمريكية وتتاؤها غير المطلوبة، تم أخذ ضرورة تغيير طرق المواجهة فى المخدرات، وتمت ممارسة سياسة مختلفة عن تلك السياسة الصعبة والصارمة. هذه المقالة تسعى إلى دراسة وشرح «الإستراتيجية الوطنية لمكافحة المخدرات» فى الولايات المتحدة الأمريكية، كواحدة من البلدان التى تتعامل مع مشكلة المخدرات. يتشابه إيران مع الولايات المتحدة الأمريكية فى بعض أوجه مشاكل المخدرات على الأخص أزمة السياسة الجنائية المأخوذة فى هذا المجال لذا تم أخذ العمل المماثل فى «السياسات العامة لمكافحة المخدرات». فبدراسة هذه الإستراتيجيات والسياسات، يكتشف أنّ هذه الإستراتيجيات مثل السياسة الجنائية المتوازنة تريد استخدام كلّ القدرات وتحاول توفير الأمان للمجتمع، بقدر ما هو أفضل. بعبارة أخرى هذه الإستراتيجيات والسياسات بجانب الاستجابات العقابية، فى نطاق واسع تشمل على استجابات غير جزائية بما فيها: الوقاية والتدخل المبكر، العلاج وإعادة التأهيل، التعاون الدولى وإصلاح العدالة الجنائية. نتيجة لذلك هذه الإستراتيجيات والسياسات تسعى بتحسين أزمة المخدرات على الصعيدين الوطنى والدولى، فحلّ مشاكل المخدرات، لا تركز فقط على الاستجابة العقابية فتستخدم استجابات وقائية وغير جزائية.

المفردات الرئيسة: المخدرات، الإستراتيجيات الوطنية، السياسة الجنائية، الولايات المتحدة الأمريكية، إيران.

٢٥١

التحديات الثقافية، الاجتماعية والاقتصادية لتعديل مرتكبي الجنحة

وعلاجهم

- أصغر بلارك (طالب دكتوراه بجامعة آزاد الإسلامية، فرع الإمارات)
- حسين غلامى (أستاذ مشارك بجامعة العلامة الطباطبائي)
- محمد علي بابائي (أستاذ مشارك بجامعة الإمام الخميني الدولية)

تعديل مرتكبي الجنحة وعلاجهم بمعنى مجموعة إجراءات طبيّة - سريريّة و إجراءات تأهيليّة (تعليميّة، تربويّة) ومرتكبو الجريمة بتأثير من هذه البرامج يميلون إلى اتّباع القواعد الاجتماعيّة. ولهذه المفاهيم، مناحى ومظاهر عدّة يتمّ تنظيمها بطرق مختلفة في وتيرة المرافعات. والآن بعد تشكيل المناحي المعدلة العلاجيّة في كتاب القانون، من الضروريّ التعريف بالتحديات البنيويّة أمام هذه العمليّات. ومن البديهيّ وبواسطة تقسيم بسيط يمكن تصنيف البنى الموجودة في ثلاث جوانب ثقافية واجتماعيّة واقتصاديّة. ودراسة تحليليّة للبنى الموجودة تظهر بأنّ البنى التعليميّة والقوانين الاجتماعيّة ومستوى الفقر والبطالة في المجتمع الإيرانيّ تتناقض مع البرامج التعديليّة - العلاجيّة وهذه المشاكل تمنع وتعرقل عودة مرتكبي الجنحة إلى الحياة العاديّة.

المفردات الرئيسة: التعديل، العلاج، البنى الاجتماعيّة، الظروف الثقافيّة، الظروف الاقتصاديّة.

رواية «سنوات من الغيوم» في ضوء تعاليم علم الإجرام للأطفال

والمراهقين

- هادي رستمى (أستاذ مساعد بجامعة بوعلى سينا بهمدان)
- عليّ مولا بيكي (ماجستير في القانون الجنائيّ للأطفال والمراهقين)

الأطفال والمراهقون، لأنهم يمكن أن يكونوا صناع القانون، لديهم الفرصة لدخول مجال القانون الجنائيّ للجريمة ويمكن أيضًا أن تتعرّض لأنواع مختلفة من الإيذاء من

حيث الظروف الجسدية والعاطفية. من الأرجح أن يتعرّض بعض الأطفال والمراهقين، بصرف النظر عن الظروف، لأنواع مختلفة من الجنوح والإيذاء بسبب ظروفهم وظروفهم الخطيرة، التي يمكن وصفها بأنّها «الأطفال المعرضين للخطر». يمكن العثور على أمثلة على هذه الأنواع الثلاثة من الأطفال والمراهقين فى رواية «سنوات من الغيمة» التى كتبها علىّ أشرف درويشيان؛ والتى يمكن مشاهدتها من منظور بعض النظريات الإجراميّة من خلال طريقة تحليل المحتوى. وقد تكون نتيجة ذلك، من جهة وجود صلة وثيقة بين الأدب وعلم الجريمة، ومن ناحية أخرى، تمّ استخدام الأدب كأداة وقائية لبناء مجتمع مثاليّ.

المفردات الرئيسة: الروايات الغائمة، الجنوح وجرائم الأطفال، الأطفال المعرضين للخطر، علم الاجتماع الجنائيّ، علم النفس الجنائيّ.

مبّررات تعليق السجن؛ دراسة مقارنة للقانون الإيرانيّ والفرنسيّ

- شهرام إبراهيميّ (أستاذ مساعد بجامعة شيراز)
- رضا رحيمان (طالب دكتوراه فى القانون الجنائيّ والإجرام)

لقد اتّجه المشرّعون اليوم وللتأكّد من عدم توّسل القضاة فى المحاكم الجزائيّة إلى إصدار الحكم على المتّهمين بالسجن خارجاً عن الحدود القانونيّة اتّجهوا إلى اتّخاذ آليّة لضرورة تسبب الحكم وبذلك يتوجّب على القضاة بالإدلاء بالإفادات اللازمة لما يستندون إليه بشأن إصدار الحكم بالسجن. وبناء على هذا الاتّجاه لا يجوز للقاضى إصدار الحكم بالسجن غير القابل للتعليق إلّا كآخر حيلة ففى هذه الحالة يتوجّب على القاضى إصدار الحكم مصحوباً بتسبب الحكم بالسجن غير القابل للتعليق نظراً إلى خطورة الجرم وشخصيّة المجرم مشيراً إلى عدم كون الضمانات التنفيذيّة الأخرى غير ملائمة بشكل واضح. رغم ذلك إذا أصدرت المحكمة الحكم بالسجن، يجب عليها تعيين كيفية تنفيذ الحكم فى العراء فى إطار المنشآت الملائمة كنظام شبه حرّ أو تنفيذ الحكم تحت إشراف الأنظمة الإلكترونيّة. وفى حالة يتعدّر فيها تنفيذ هذه الإجراءات ينبغى للمحكمة التسبب لذلك كى تتوفّر إمكانيّة المراقبة من قبل الجهات القضائيّة العليا. تسبب الحكم وإن سبق أن أخذ بعين الاعتبار فى الموادّ المختلفة من قانون

الإجراءات الجزائية إلا أنّ تسبب إنزال عقوبة السجن غير القابل للتعليق والذي ينم عن عدم الثقة بالقاضى تأسيس بديع وحديث وقد يتجاوز المفهوم الذى أرادته المشرع فى قانون الإجراءات الجزائية. إن ضرورة ما تقدّم ذكره عن تسبب عقوبة السجن يمكن أن يؤثر فى تجنّب إصدار الحكم بالسجن غير القابل للتعليق من جانب وفى تغيير مكان تنفيذ عقوبة السجن فى العراء من خلال التوسّل إلى مؤسسات كالنظام شبه الحرّ من جانب آخر.

المفردات الرئيسة: تبرير التصويت، السجن، تضخّم الحراسة، تعديل العقوبة.

التحدّيات الفقهيّة لفرض العقوبات التبعيّة والمكمّلة على مرتكبي الجرائم الحديّة والقصاص فى قانون العقوبات الإسلامية المصادق عليه عام ١٣٩٢

- مهديّ صالحى مقدّم (طالب دكتوراه فى قانون الجزاء والإجرام)
- شهربانو حسينيّ (ماجستير فى الفقه ومبادئ القانون الإسلامى)
- عبد الرضا أصغرى (أستاذ مشارك بالجامعة الرضويّة للعلوم الإسلامية)

بعد انتصار الثورة الإسلامية فى إيران، أضحت تطابق القوانين بشكل عامّ وقوانين الجزاء بشكل خاصّ مع الأسس والمبادئ الفقهيّة الشغل الشاغل للمشرع الإيراني. ومن قضايا قانون الجزاء العقوبات المكمّلة والتبعيّة. والمشرع الإيراني ضمن الموادّ ٢٣ حتّى ٢٥ من قانون العقوبات الإسلامى خوّل المحاكم تصریحًا بشأن جرائم الحدّ والقصاص يستطيع القاضى بموجبها ومع الأخذ بعين اعتبار المجرم وجريمته، أن يحكم عليه بعقوبة واحدة أو أكثر من العقوبات المكمّلة، وبالإضافة إليها يحرمه من حقوقه الاجتماعيّة باعتباره عقوبة تبعيّة. وفى ضوء الأسس الحاكمة على الحدود الشرعيّة والقصاص، ولاسيّما ثبات مقدار الحدود الشرعيّة، يسعى المقال إلى الإجابة عن سؤال مفاده: هل يتوافق تطبيق العقوبات المكمّلة والتبعيّة التعزيريّة على الحدود والقصاص مع الأسس الشرعيّة؟ هذه الدراسة تناولت عبر المصادر المكتبيّة وفى ضوء آراء الفقهاء والسابقة القضائيّة نماذج من العقوبات التبعيّة والمكمّلة فى الفقه الإسلامى وقيمت آراء المؤيدين والمعارضين، وأظهرت أنّ من الممنوع فرض عقوبة تعزيريّة أخرى زائدة على الحدّ الشرعىّ أو القصاص. كما أثبتت هذه الدراسة أنّ الحالات المعدودة لتعميم العقوبات

المكّملة والتبعية التعزيرية على الحدود والقصاص في الفقه، من النماذج الخاصّة التي عدّها الشارع وهي خرجت عن القاعدة العامّة المتمثلة في ثبات مقدار العقوبات الحدية والقصاص. ومن هذا المنطلق لا يصحّ إطلاق الموادّ ٢٣ حتّى ٢٥ وإنزال العقوبة المكّملة والتبعية في جميع الحدود والقصاص.

المفردات الرئيسة: العقوبة المكّملة، العقوبة التبعية، الحدود الشرعية، القصاص، زيادة مقدار الحدود الشرعية، القواعد العامّة للحدود.

ممارسة الاختصاص الجنائيّ للدولة الساحليّة بالاستناد إلى القوانين الوطنيّة في مواجهة الاتفاقيّات مع اختصاص دولة العلم

□ جواد صالحيّ

□ أستاذ مساعد بجامعة پیام نور

أصل الاختصاص القائم على تبعية الفاعل والمفعول من مؤشرات ممارسة الاختصاص الجنائيّ. وعلى هذا الأساس يحتمل ادعاء الاختصاص الجنائيّ لكلتا الدولتين الدولة الساحليّة ودولة العلم وفق تبعية كلّ واحدة منهما في الملفّ القضائيّ. يمرّ ملفّ سفينة إنريكالكسي أيضاً بظروف مماثلة بادعاء مكافحة القرصنة البحريّة. بيد أنّ الطرفين يختلفان في تفسير القوانين المندرجة في اتفاقية قوانين البحار المتعلّقة بالمناطق البحريّة. منطقة الإشراف هي الحدود الفاصلة بين المياه الإقليمية والمنطقة الاقتصادية الحصريّة. إلا أنّ تعبير الاتفاقية يُظهر أنّ منطقة الإشراف جزء من المنطقة الاقتصادية الحصريّة، وهي خاضعة للقوانين السائدة في هذه المنطقة. لذلك لا يحقّ للدولة الساحليّة أن تمارس اختصاصاتها الجنائيّة في داخل تلك الحدود استناداً إلى القوانين الوطنيّة. فعلى الدولة الساحليّة أن تكتفي بممارسة سيادتها الإدارية والإشرافية في منطقة الإشراف وحدها وذلك في شؤون خاصّة. وعلى هذا الأساس في الحالات التالية يعود الاختصاص الجنائيّ لدولة العلم: البت في الجرائم الحادثة، ولو كانت القتل العمد الناجم عن الحوادث البحريّة بتصوّر مكافحة القرصنة البحريّة في منطقة الإشراف.

المفردات الرئيسة: الاختصاص الجنائيّ، الاختصاص الإقليميّ، اتفاقية حقوق

البحار، الدولة الساحليّة، دولة العلم.

تهريب المخدرات غير الشرعية أو التهريب غير الشرعي للمخدرات

□ حسن طغرانگار

□ أستاذ مساعد بجامعة زنجان

يقوم القانون الجنائي للمخدرات على أساس تجريم قائمة بالمخدرات المحظورة، و«الأعمال». وثمة سؤال قلما يطرحه أحد وهو: إلام يعود وصف اللا شرعي؛ إلى الشيء أم إلى العمل؟ وفي ضوء ذلك عمّ تتحدّث؛ عن تهريب مخدرات غير شرعية أم تهريب غير شرعي للمخدرات؟ وينقدح سؤال آخر وهو: في كلا الحالين، توصف «تجارة» المخدرات وتعاطيها بأنها غير شرعية وفق مبدأ مشترك، لكن لماذا يختلفان في طريقة التعامل معهما؟ يبدو في هذا الشأن أنّ هناك فرضيتين أثرتا في القضية، أي خلق الطلب بواسطة العرض، والجناية على المستهلكين. ومن شأن هذا البحث أن يسلط الضوء على تعديل الإستراتيجية الجنائية المذكورة بعد توجيه النقد إلى النهج الجنائي الحاكم على تهريب المخدرات.

المفردات الرئيسية: غير الشرعية، المخدرات، تهريب المخدرات، تعاطي المخدرات، السياسة الجنائية.